

قصه از برجسته‌ترین و رایج‌ترین گونه‌های ادبیات عامه در جامعه‌های شفاهی بوده و همچون گونه‌های دیگر ادبیات عامه با روح و زندگی مردمی که این قصه‌ها را به کار می‌برده‌اند، پیوند داشته است. ساخت معنایی قصه بر دو اصل واقع‌گرایی و خیال‌پردازی نهاده شده و هر دو اصل از ویژگی‌های تار و پود مطالب درهم تنیده قصه است. قصه آینه‌ای است بازتابنده شرایط فرهنگی جامعه‌ای که قصه و راوی قصه در آن پرورده و رشد کرده و بالیده‌اند. در قصه شکل زندگی، شیوه معیشت، مناسبات و روابط میان افراد گروه‌ها و طبقات اجتماعی، تضادهای طبقاتی، شکل خانواده و خویشاوندی، زنجیره روابط افراد با اعضای خانواده و خویشاوند و با اعضای جامعه، عقاید و گرایش‌های قومی و دینی، سنخ تفکر و احساس، آداب و سنت‌های متداول در فرهنگ جامعه، شایست و ناشایست‌ها، و محرمات، همه و همه به زبانی ساده یا استعاری و نمادین، همراه با جد و طنز، و هجو و هزل در گستره‌ای بی‌آغاز و بی‌پایان بیان و به تصویر کشیده شده‌اند.

قصه کهن‌ترین و ابتدایی‌ترین شکل اندیشه تاریخی فرهنگ مردم در توضیح پدیده‌های جهان پیرامون و عرصه‌های کائنات بوده است. قصه افق روشن و فروزانی برای دستیابی به اسرار پیچیده این اندیشه، و شناخت فرایند تحول آن در گذار تاریخی حیات اجتماعی مردم جامعه، در برابر دیدگان پژوهشگران اجتماعی می‌گشاید. این پدیده هنری - ادبی برای اقوام و جوامع نانویسا نوعی زبان گویای تاریخی از چگونگی منطق زیست فرهنگی نسل‌های گذشته در ادوار پیش از تاریخ و دوره تاریخی به شمار می‌رفته است. مردم‌شناسانی که در جامعه‌های شفاهی بی تاریخ مکتوب یا جوامع سنتی پیش صنعتی تحقیق می‌کرده‌اند، برای دستیابی به گذشته تاریخی مردم این جوامع، به این میراث شفاهی رویکردی ویژه داشتند و این هنر زبانی را همچون سندی معتبر از داده‌های تاریخی مورد تحقیق قرار می‌دادند. قصه در میان مردم این گونه جوامع، جدا از اهمیت سرگرم‌کنندگی که نقش پیدا و آشکار قصه‌هاست، نقش و کارکردهای مهم دیگری هم داشته که در زمینه قصه‌ها نهفته است. همین نقش و کارکردهای نهفته قصه‌ها بودند که توجه مردم‌شناسان را به خوانش دوباره قصه‌ها و تجزیه و تحلیل جوهره بیان قصه‌ها در راهیابی به رمز و رازهای ذهنی و عینی سازه‌های اجتماعی، فرهنگی و روان جمعی جامعه جذب کرد.

از کارآمدترین نمونه‌های برجسته نقش‌ها و کارکردهای این مجموعه هنرهای زبانی می‌توان موارد زیر را یاد کرد: انتقال و آموزش سنت‌ها و تجربه‌های گذشتگان به همزمانان و آیندگان؛ نظم دهی رفتارها، به‌هنجار سازی روابط اجتماعی مطابق با اسلوب‌ها و سنت‌های پذیرفته شده و معمول در جامعه؛ اعتبار و اقتدار بخشی به نهادهای اجتماعی - فرهنگی،

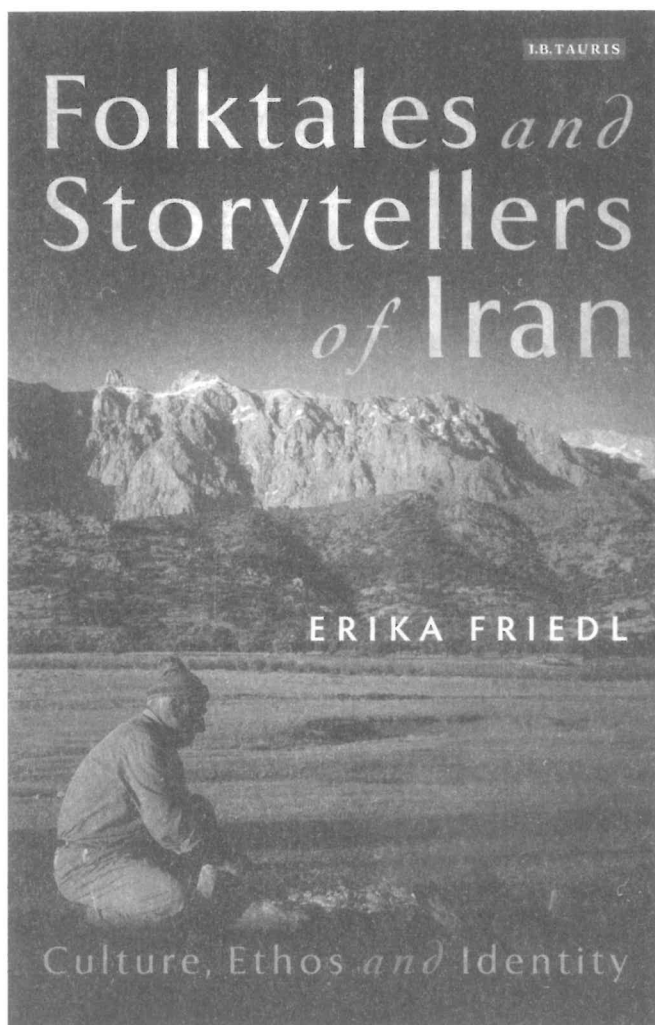
قصه، هویت تاریخی فرهنگ یک جامعه

علی بلوکباشی

مختلف فولکلورشناسی، مردم‌شناسی، زبان‌شناسی، ادبیات و روان‌شناسی در بررسی و تحلیل درون مایه قصه‌ها و شناخت ماهیت معنایی و مفهومی متن قصه‌ها کمک کنند.

افزون بر این دانسته‌ها و معارف، پرداختن به قصه‌پژوهی نیاز به حوصله و دقت و صرف وقت فراوان نیز دارد. گردآوری قصه و شرح و توضیح‌نویسی قصه با قصه‌پژوهی به معنای واقعی آن بسیار متفاوت است. در ایران رویکرد به قصه همراه بود با گردآوری قصه‌های برخی مناطق ایران به همت گروهی ادیب و دانشمند علاقه‌مند اهل ادب. بعدها رفته رفته تزی چند از فرهیختگان رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی با توجه به نگاه باریک قصه‌پژوهان غربی و بهره‌گیری از دانش و روش فولکلور به این امر پرداختند. ولیکن با همه تلاش‌های ارزشمند این گروه، هنوز هم در ایران بیشتر گردآورنده قصه و افسانه داریم تا قصه پژوه یا قصه‌شناس به مفهوم علمی آن.

مختصر بگویم که در فرهنگ ایران و پاره فرهنگ‌های بی شمار این سرزمین گنجینه‌هایی غنی و پرباری از قصه و افسانه نهفته است. هرچند جمع‌آوری قصه‌ها پیش از به فراموشی سپردن آنها لازم و بایسته است، ولیکن کافی نیست و جمع‌آوری قصه نمی‌تواند ما را از این راه به مقصود والایی که در شناخت فرهنگ‌ها و جوامع خود داریم، هدایت کند. کار بررسی و تحلیل متن و محتوای قصه‌ها و دست‌یابی به پیوند و رابطه قصه با جامعه و فرهنگی که قصه از درون آن پدید آمده، همچنین دریافت چگونگی رابطه قصه با قصه



اقتصادی عرفی، مشروعیت بخشی به عقاید و باورهای سنتی، تخفیف و تسکین فشارهای روانی ناشی از نابرابری‌ها و محرومیت‌های اجتماعی؛ تداوم بخشی به فرهنگ و ارزش‌های دینی و اخلاقی، و شکل‌دهی به جهان بینی افراد از جهانی که در آن زندگی می‌کنند و جهانی که برای افراد نادیدنی و ناملموس است.

قصه‌پژوهی و پرداختن به این دستاورد خلاقه ذهنی رایج میان مردم در جامعه‌های مورد مطالعه، یکی از حوزه‌های نوین پژوهش‌های انسان‌شناسی در جهان امروزی است. قصه‌شناسی علمی است که مانند اسطوره‌شناسی نیاز به دانش و معارفی گسترده و خاص دارد و پژوهشگرانی که قصد تحقیق در زمینه قصه‌ها را دارند، لازم است نگرشی جامع و فراگیر تر از دانش حوزه تخصصی خود به موضوع مورد مطالعه معطوف داشته باشند. در این نوع تحقیقات دیدگاه‌ها و روش‌های تاریخی، زبان‌شناختی اجتماعی، روان‌شناختی اجتماعی، و مکاتبی همچون مکتب‌های کارکردگرایی و ساختارگرایی می‌توانند به پژوهشگران برآمده از رشته‌های

در جامعه لر بدهد. این کتاب در ۲۰۱۴ میلادی، دو سال پیش در امریکا چاپ و منتشر شد و در ایران در زمره آثار جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۹۴ انتخاب و به داوری گذاشته شد. در همین جا لازم است گفته شود که عنوان قصه‌های عامه و قصه گویان لر ایران برای کتاب مناسب‌تر از عنوانی کنونی آن است، زیرا محتوای کتاب اختصاص به قصه‌های لری دارد که بخش کوچکی از قصه‌های رایج در فرهنگ گسترده ایران زمین را شکل می‌دهد و با محتوا و مطالب کتاب بیشتر تطبیق می‌کند.

نویسنده کتاب خانم دکتر اریکا فریدل استاد

بازنشسته رشته انسان‌شناسی در دانشگاه

میشیگان غربی امریکا است. او یکی از

معدود انسان‌شناسان اتریشی‌تبار

امریکایی است که سال‌های سال،

چه در دوره استادی خود در

دانشگاه و چه در زمان

بازنشستگی‌اش هم

خود را به تحقیق

در فرهنگ

و ادبیات شفاهی جامعه لر بویراحمدی، یکی از گروه‌های ایلی ششگانه جامعه لر استان کهگیلویه و بویراحمد در منطقه سی سخت گذاشته و همه تلاش خود را در شناخت وضع و موقعیت اجتماعی - فرهنگی زنان و نقش اقتصادی آنان در خانواده متمرکز کرده است. خانم فریدل اولین بار در سال ۱۳۴۵ با همسرش پروفسور دکتر هانس لوفلر، که او هم استاد انسان‌شناسی همان دانشگاه بود، برای تحقیق میدانی به ایران آمدند. در تهران بود که با این زوج انسان‌شناس آشنا شدم.

این زوج مردم‌شناس از همان زمان با رفتن به منطقه سی سخت و اقامت در آنجا پژوهش‌های مردم‌نگاری خود را آغاز کردند. فریدل و لوفلر برای دنبال کردن مطالعات خود بارها در سال‌های مختلف به ایران سفر کردند و به میدان تحقیق رفتند. آخرین سفر خانم اریکا فریدل به ایران و رفتن به زمین تحقیق در سال ۲۰۰۶ / ۱۳۸۵ بود. تحقیقات اریکا در این سال‌ها بیشتر بر محور سازمان اجتماعی و خویشاوندی، نقش و منزلت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی زنان، آداب و شیوه‌های آموزش و پرورش کودکان، نظام اعتقادی و باورهای فرهنگی - دینی زنان و فرهنگ و ادب عامه این جامعه ایلی بوده است.

خانم فریدل پیوسته کوشیده است تا از راه کتاب و مقاله و سخنرانی به زبان‌های انگلیسی و آلمانی، شکل و محتوای زندگی زنان جامعه بویراحمدی و شأن و منزلت زنان ایلیاتی لر بویراحمدی را در درون و

گویان و تأثیر جایگاه و منزلت اجتماعی و فرهنگی آنان در شکل‌گیری محتوای قصه‌ها، و نیز مطالعه تطبیقی میان قصه‌های یک گروه اجتماعی و یا یک پاره فرهنگ با قصه‌های گروه‌ها و پاره فرهنگ‌های دیگر باید از برنامه‌های کاری جدی پژوهشگران بر روی قصه‌های ایران باشد. از این رو، زمانی قصه‌پژوهی در ایران ارزش و اعتبار علمی می‌یابد که پیوند متن و

درونمایه قصه‌ها در هر پاره فرهنگ با الگوهای رفتاری و ذهنی مردم

همان پاره فرهنگ و تأثیر و تأثر

قصه‌گویان و شنندگان قصه

وارسی و شکافته و باز

شوند و آنچه که در ورای

صورت‌ظاهری قصه‌ها

وجود دارند باز نموده

و تفسیر و تعبیر شوند. در این زمان است که می‌توان از راه قصه‌پژوهی به نوعی مدل‌سازی واقعی از جامعه‌های گذشته و جامعه‌های کنونی که قصه‌های مردمش را مطالعه کرده‌ایم، دست یابیم و با هویت تاریخی فرهنگ مردم آن آشنا شویم.

کتاب قصه‌های عامه و قصه‌گویان

ایران: فرهنگ، خلّقیات و هویت، که در این گفتار معرفی می‌شود نمونه‌ای از پژوهش‌هایی است که یک انسان‌شناس خارجی براساس سال‌ها پژوهش میدانی در میان یک جامعه روستایی لر نشین ارائه کرده و در آن کوشیده است که معنا و مفهوم تازه‌ای از قصه و نقش فرهنگ جامعه و قصه‌گویان در شکل‌دهی محتوا و درون‌مایه قصه‌ها

بیرون خانواده، و فعالیت‌های اقتصادی و مسئولیت‌های زنان را در جامعه، آن چنان که اسناد تحقیقی می‌نمایند، به جهانیان و علاقه‌مندان فرهنگ ایران بشناساند. تا کنون کتاب‌ها و مقالاتی چند از او در زمینه جامعه زنان و کودکان و جامعه و فرهنگی که در آن رشد کرده و پرورش یافته‌اند، همچنین آثار ذهنی ویدی آنان در ادب شفاهی و دستاوردهای هنری چاپ و منتشر شده است. در شمار کتاب‌های او به زبان انگلیسی می‌توان به زنان ده کوه: زندگی در یک روستای ایران، ۱۹۸۹، کودکان ده کوه: زندگی جوانی در یک روستای ایرانی، ۱۹۹۷، قصه‌هایی از یک ایل ایرانی، ۲۰۰۷، و اثر مورد گفتگوی این مقاله در ۲۰۱۴ اشاره کرد. از مجموعه مقالات او به زبان‌های انگلیسی و آلمانی نیز می‌توان از «قصه، تعبیری فرهنگی»، «زنان در قصه‌های معاصر ایران»، «پزشک و بیمار در دهکده‌ای در جنوب غربی ایران»، «زنان ایلی و اسلام» و «دوستان جدید: روابط جنسیتی در خانواده» و ده‌ها مقاله دیگر نام برد.

اریکا برای جامعه علمی و دانشگاهی ایران به‌ویژه انسان‌شناسان نباید ناشناخته باشد.

نخستین بار نگارنده با ترجمه مقاله‌ای از او با عنوان

«تحلیلی فرهنگی از ترانه‌های بویراحمدی» در

مجله مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران، نشریه

مرکز مردم‌شناسی ایران، (شماره ۳، زمستان

۱۳۵۶)، و سپس با معرفی و نقدی بر

کتاب زنان ده کوه در مجله نشر

دانش (سال ۱۰، شماره ۲، بهمن

و اسفند ۱۳۶۸، ص ۵۹ -

۶۲) شخصیت علمی او

را شناساند و نمونه‌ای

از آثار و شیوه کارهای تحقیقی میدانی او در جامعه بویراحمدی را در ایران معرفی کرد.

هفت سال اقامت متناوب خانم فریدل، از سال ۱۹۶۵ تا ۲۰۰۶ میلادی

در میدان پژوهش و حشر و نشر او با مردم و خانواده‌های بویراحمدی سی

سخت، آشنایی نزدیک او با شکل زندگی و رفتارهای مردم، به ویژه زنان و

کودکان، دست یافتن به گنجه‌های ذهنیت فرهنگی و افکار و اعتقادات عرفی و

شرعی زنان از طریق ارتباط با آنها و مشارکت در فعالیت‌های روزمره آنان،

و متمرکز کردن سال‌ها اندیشه و قلم خود به فضای کار تحقیق در این جامعه

و قلم زدن در زمینه فرهنگ جامعه و زندگی زنان لر منطقه سی سخت،

برجستگی و اعتبار خاصی به آثار او بخشیده است.

کهگیلویه و بویر احمد منطقه تحقیق فریدل، ناحیه‌ای است که در زیر بلندترین نقطه سلسله کوه‌های زاگرس قرار گرفته. نویسنده کتاب قصه‌ها و قصه گویان ایران پیش از هر سخنی برای خواننده حدود این منطقه را بر روی نقشه ایران در آغاز کتاب مشخص می‌کند. بعد با نقل افسانه‌ای کوتاه و زیبا به نام «آواز گنجشک» که در آن داستان دستیابی گنجشک به هنر جیک جیک کردن روایت می‌شود، خواننده را با ظرافتی خاص به تلاش نویسنده در رسیدن به شناخت هنر قصه‌پژوهی باز می‌نماید. از دیگر مطالبی که باب ورود به متن کتاب را می‌گشاید، یکی سپاسنامه‌ای است از کسانی که در کار تحقیق به او کمک کرده‌اند، و دیگر یادداشتی بسیار کوتاه بر ترجمه واژه‌های لری و فارسی در قصه‌ها و چگونگی حرف‌نگاری کردن آنها.

متن کتاب با یک مقدمه

شروع می‌شود و پس از

آن مباحث کتاب در ۷

فصل و هر فصل

با یک خلاصه

و نتیجه‌گیری تنظیم و تدوین شده‌اند.

دو پیوست، مجموعه یادداشت‌های

مربوط به مقدمه و فصل‌های هفتگانه،

کتاب‌نامه و نمایه نیز مطالب پایانی اثر

را شکل می‌دهند. جای یک واژه نامه

لری - انگلیسی و انگلیسی - لری از

واژه‌های محلی که در متن به کار رفته،

در کتاب خالی است.

عناوین مباحث فصول کتاب

عبارت‌اند از:

۱. چگونه راویان در قصه‌هایشان

زندگی می‌کنند

در این فصل نویسنده به بررسی و تحلیل دو قصه از دو قصه گوی مرد و زن می پردازد. در مورد اول جایگاه و شأن و منزلت گروه خدمتکاران، زنان و موضوع فقر را از نگاه و زبان شکرالله حقوقی که خود از قشر خدمتکاران در جامعه بویراحمدی سی سخت است، در قصه‌هایی که می‌گوید، بررسی و تفسیر و تعبیر می‌کند. در مورد دوم جایگاه و منزلت زنان و خدمتکاران را از نگاه و زبان خانم بویراحمدی، یک بانوی معلم و از قشر بالای جامعه بویراحمدی، در قصه‌هایی که نقل می‌کند به تصویر می‌کشد.

۲. خانواده همچون یک نمایش: خواهران - برادران

بازتاب شکل و نقش و موقعیت خانواده در جامعه لر، چگونگی روابط خواهران با یکدیگر و با برادران، اقتدار پدر و برادران ارشد در امور خانه، نگاه جنسیتی مردان خانواده به دختران خانواده، و نقش و جایگاهی که برادران در حفاظت و حمایت از خواهران خود در برابر بحران‌های زندگی زناشویی و مخاطرات اجتماعی خواهران در جامعه دارند، از مباحث مهم این فصل در قصه‌ها به شمار می‌روند.

۳. جهان زنان

در این فصل نویسنده به حضور فعال و پر رنگ زنان در نقش دختر و عروس خانواده، همسر و مادر در عرصه کار و مدار زندگی، همچنین نقش زنان سالخورده در امور خانواده در قصه‌ها می‌پردازد و از زبان قصه و قصه‌گویان نقش فعال این شخصیت‌ها را در گستره زندگی روزانه تشریح و تحلیل می‌کند.

۴. حیوانات، گیاهان و خرد مردم

در این فصل، نویسنده به بررسی و تفسیر نقش حیوانات اهلی و وحشی و گیاهان و رابطه مردم با حیوانات پیرامون خود در قصه‌ها می‌پردازد، و چگونگی همزیستی انسان‌ها و حیوانات را در حالی که با زبان‌هایی جدا از هم و در تشکیلاتی متفاوت با یکدیگر زندگی می‌کنند، توجیه و بیان می‌کند. قصه‌های منتخب مورد تحلیل در این بخش، مردم و حیوانات را در دنیایی خشن به تصویر در می‌آورد که در آن نیازهای مردم و حیوانات بیش از منابعی است که در بوم زیست آنها وجود دارد و منابع طبیعی هم به طور برابر توزیع نشده‌اند. همچنین، در این قصه‌ها نوع نگرش مردم به شیوه رفتار و خوی و خصلت حیوانات و برخورد آنها با حیوانات، همچنین برداشت‌ها و انتظاراتی که مردم، قصه‌گویان و شنندگان قصه از آنها دارند، بیان می‌شود.

۵. راه‌هایی به سوی خدا

در فصل پنجم فریدل نگاهی به بازنمای رفتارها، عقاید، افکار و احساسات مذهبی مردم جامعه بویراحمدی در قصه‌ها دارد. در این فصل به مقولاتی برگرفته از قصه‌ها ذیل عناوین خدا، استغاثات و توسل جویی‌ها، خدا به مثابه فرمانروای کل آفریدگان و کائنات، خواست و میل خدا، الطاف الهی، عدالت و عقوبت خدا، خداوند در مواضع طنز و شوخی آمیز و سرانجام غیاب برخی

مضامین مربوط به دین و نگرش‌ها و اعتقادات مذهبی می‌پردازد.

۶. مردم و نیروهای دیگر

فصل ششم بابتی در رابطه مردم با نیروهای مقدس و فراطبیعی و جادویی در بستر قصه‌ها می‌گشاید. در این فصل موضوعاتی مانند: مردم و نیروهای دیگر، پری و جن، دیو (یا غول)، خضر / مشکل گشا و فرمانروای قیامت / محشر، سلمان و محمد پیامبر، درویش و پیر، خوشبختی یا بخت، سرنوشت یا تقدیر (به زبان عام «پیشونی نوشته»)، حیوانات و سرانجام درویش و پیر مورد بحث و تفسیر و تحلیل قرار می‌گیرند.

۷. فلسفه زندگی روزانه

فصل هفتم آخرین فصل کتاب است که فلسفه زندگی روزانه مردم جامعه در قصه‌ها مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد. در این فصل فریدل موضوعاتی مانند خصایص طبیعی اشیا، نظم اشیا، تقدیر یا سرنوشت یا تقدیر / شانس، بخت، «خدا خاس» (خواست خدا)، روزگار، قسمت، عواقب فقر و تنگدستی، زرنگی، زیرکی و قدرت، و وضعیت مشکل انسان را در قصه‌ها می‌کاود و تجزیه و تحلیل می‌کند.

نخستین پیوست کتاب، چهار قصه از مجموعه قصه‌های غفاری، امان‌اللهی و لامع را به نام‌های «شیر حيله‌گر و گاوه‌ای ساده لوح»، «حکیم و وزیر»، «سگ چهارچشم» و «پدر با هفت دخترش» در برمی‌گیرد. پیوست دوم اشتمال دارد بر فهرست کاملی از قصه‌های مجموعه‌های لوریم، امان‌اللهی / تکستون Thackston، فریدل و غفاری که از منابع کاری نویسنده در تألیف کتاب بوده است. این منابع بجز

نزدیک قصه‌ها با زندگی روزمره مردم از سویی، و با منطق قصه‌گویان و شنوندگان قصه از سوی دیگر راه یافته است.

این اثر کوششی است در نشان دادن معنا و مفهوم زندگی واقعی مردم لر منطقه بر مبنای روایات قصه‌های محلی. هدف اصلی فریدل در طرح و تعبیر و تفسیر قصه‌ها، دستیابی به باورهای فلسفی و منطق فرهنگی مردم در فضای زندگی معمول روزانه آنها بوده است. نویسنده با باریک بینی و بهره‌گیری از تجربیات مردم‌شناختی خود مضامین قصه‌های مختلفی را در فصول هفتگانه کتاب کالبد شکافی و تحلیل کرده و تأثیر فرهنگ جاری در جامعه و نقش و جایگاه اجتماعی قصه‌گویان را در شکل‌دهی درون‌مایه قصه‌ها به دست داده است. در این اثر فریدل کوشیده تا بازتاب ماهیت زندگی، جهان بینی روایان قصه و برداشت‌ها و تعبیرات آن‌ها را از مفهوم زندگی، باز نمود محوریت خانواده و رنگ و صبغه دنیای کوچک زنان، نقشی که حیوانات و گیاهان بومی در زندگی مردم دارند و بازتاب آن در قصه‌ها، شیوه‌های عمل خداوند در زندگی مردم و راه‌های تقرب و توسل مردم به خدا و راه‌های ارتباط با او، نقش نیروهای فراطبیعی در زندگی مردم، و سرانجام فلسفه زندگی روزانه مردم در جامعه را از دیدگاه قصه‌گویان، شنوندگان و مردم در مباحث مختلف کتاب به تفصیل توجیه و تفسیر کرده است.

فریدل با نگرشی فراگیر به مجموعه‌هایی از قصه‌های لری مربوط به حوزه پژوهش خود، و منابع خارجی مربوط به موضوع کار تحقیقی‌اش تا آنجا که لازم و بایسته بوده از مفاد آنها در کار بررسی تطبیقی و محتوایی قصه‌های رایج میان بویراحمدی‌ها بهره برده است. او در صورت‌بندی ساختار نظری خود در تحلیل زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فلسفی متن قصه‌ها با استناد به این اسناد به تحلیل و نظریه پردازی‌های خود اعتبار بخشیده است.

اریکا در بررسی و تحلیل قصه‌ها توجه اش را بیشتر به معانی که مردم محلی به قصه‌هایشان می‌دهند، معطوف داشته و سعی کرده است که متن قصه‌های عامه را با زندگی قصه‌گویان و شنوندگان به همان شیوه‌ای که زندگی می‌کنند، تطبیق دهد. تعبیر و تفاسیر او از قصه‌ها برتابنده فرهنگ مردم جامعه و نظرات نهفته قصه‌گویان و شنوندگان قصه در قصه‌ها است. او به دانشمندان و پژوهشگرانی که بازتابندگی احساسات و تلقیات فرهنگوران محلی را در قصه‌ها کم اهمیت یا حتی نادیده انگاشته‌اند، یا کسانی که در تعبیر و تفسیرهایشان از قصه بر اساس یک چهارچوب جهان وطنی روشنفکرانه نظریه‌پردازی کرده‌اند، کمتر توجه داشته است.

به نظر فریدل، رویکرد به قصه‌های عامه کلیدی یا حتی راه میان‌بری است به منطق فرهنگی کسانی که قصه‌ها را می‌گویند و کسانی که به

مجموعه قصه‌هایی که او خود اریکا ثبت و ضبط کرده بود، ۴ منبع گوناگون دیگر از مجموعه قصه‌های لری را دربر می‌گیرند که مجموعاً ۱۵۸ قصه و همه آنها از قصه‌های جمع‌آوری شده دست اول هستند: ۱. مجموعه لوریمر، ۲۸ قصه بختیاری؛ ۲. مجموعه لامع، ۱۷ قصه از حوزه سکونت بویراحمد جنوبی؛ ۳. مجموعه فریدل (خود نویسنده)، ۵۵ قصه از بویراحمدی‌های ساکن در سی سخت؛ ۴. مجموعه امان اللهی و تکستون، ۱۸ قصه لری از لرستان ضبط شده در نوار؛ و ۵. مجموعه غفاری، ۴۰ قصه از حوزه بویراحمد شمال شرقی.

در مقدمه کتاب، خانم فریدل روش کار خود در قصه‌پژوهی و هدفش را در نوشتن این کتاب در مباحثی چون هدف و روش‌شناسی، پیشینه مردم نگارانه، منابع مورد استفاده‌اش در دو مقوله داده‌های منابع و داده‌های قصه‌ها به تفصیل بیان می‌کند. سپس نظرات خود را درباره موضوعاتی که در متن اثر مطرح کرده است، توضیح می‌دهد.

مؤلف با چشم‌پوشی از چارچوب‌های نظری پیشین درباره قصه، خود شخصاً با روش تازه و نگرشی ویژه و با بهره‌گیری از اصول و قواعد دانش‌های مردم‌نگاری، فولکلور و ادبیات به صورتی مبتکرانه به بررسی و تحلیل بُن‌مایه‌های قصه‌های مردم لر کهگیلویه و بویراحمد پرداخته است. او با خوانش مجموعه‌ای از قصه‌های روایان قصه و کند و کاو در متن و مضامین آنها بازتاب الگوهای ذهنی و رفتاری و آرمان‌ها و باورهای مردم را به دست آورده و به چگونگی رابطه

اریکا بیش از هر دانشمند دیگری که می‌شناسم قادر بوده تا معانی قصه‌ها را همان‌طور که قصه‌گویان و شنوندگان قصه می‌فهمند، تحلیل کند و به قابلیت کاربری‌های معانی قصه‌ها در زندگی و روابط و فرهنگ قصه‌گویان و شنوندگان قصه دست یابد. خانم فریدل خوب می‌بیند که چگونه قصه‌ها پندارها، دریافت‌ها و معانی زندگی، فرهنگ و واقعیت‌هایی را که هرچند گاهی بیان شدنی نیستند، آشکار می‌کنند.

در بررسی و تحلیل داستان‌هایی که زنان در آن نقش اساسی دارند و راوی آنها مردان هستند، درون مایه برجسته این‌گونه قصه‌ها نوعی بدگمانی و بی‌اعتمادی نسبت به زنان را بیان می‌کند. به نظر خانم فریدل، زن‌ستیزی در بیشتر قصه‌های راویان مرد وجود دارد. اولین فصل کتاب که به بررسی و تحلیل درون مایه قصه‌ها از دو راوی مرد و زن از مردم سی سخت می‌پردازد. قصه‌گوی مرد یکی از افراد قشر فقیر و خدمتکار و بی‌سواد جامعه است، و قصه‌گوی زن فردی از قشر و لایه اجتماعی نسبتاً بالا و برآمده از یک خانواده برجسته جامعه می‌باشد. هر دو در متن قصه‌ها نکات مهمی از زندگی خود را می‌گنجانند و احساسات نهفته درون خود را آشکار می‌نمایند. این احساسات را هر دو نیز زیرکانه و با زبان قصه مطرح می‌کنند، و داوری‌هایشان را درباره ویژگی‌های زندگی خود و فرهنگی که در آن می‌زیند در لابلای آنها ارائه می‌دهند.

قصه‌گوی مرد که در زندگی روزانه عقیده تحقیرآمیز خود را نسبت به زنان غالباً در لفافی از شوخی و گاهی شوخی‌های گزنده می‌پوشاند، وقتی که قصه می‌گفت، بدگمانی‌ها و دودلی‌هایش را جسورانه نسبت به زنان در قصه‌ها

به نظر فریدل، رویکرد به قصه‌های عامه‌کلیدی یا حتی راه میان‌بری است به منطق فرهنگی کسانی که قصه‌ها را می‌گویند و کسانی که به آنها گوش می‌سپرنند.

بیان می‌داشت. در قصه‌های این راوی شمار زنان خوب و قابل اعتماد اندک هستند. زن خوب کسی است که باحیا، مهربان، سخت‌کوش، مطیع پدر یا شوهر و همیشه ساکت و خاموش باشد و هرگز اعتراض نکند و نظر و خواستی هم نداشته باشد. البته چنین زنی با این خصوصیات در جامعه بویراحمدی سی سخت تقریباً نایاب است. قصه‌گوی مرد در قصه‌هایش معنا و مفهوم خدمتکاری و فقر را در فرهنگ بویراحمدی بازتاب می‌دهد. او زن را در افکار مردم جامعه موجودی ضعیف و ناتوان برای انجام دادن کارهای بزرگ تصویر می‌کند و آنان را به واسطه خصایل ذاتیشان هم در خطر و هم خطرناک می‌انگارد.

آنها گوش می‌سپرنند. او می‌گوید این رویکرد در نخستین دیدارش در میان بویراحمدی‌ها در ۱۹۶۵/۱۳۴۴، و در زمانی که مشغول آموختن زبان لری بود به ذهنش خطور کرد. او هنگام مطالعه و بررسی دستور، واژگان و اصطلاحات قصه‌هایی که فراهم آورده بود، درمی‌یابد که چگونه مردمی که قصه‌ها را می‌گویند، می‌اندیشیده و استدلال می‌کرده‌اند. چگونه قصه‌هایی که قصه‌گویان نقل می‌کردند جریان زندگی روزانه آنها را بازتاب می‌داده است. چنین نگرش و شناختی با فریدل در سراسر بازدیدهای تحقیقی‌اش در سرزمین بویراحمد همراه بود تا سرانجام انگیزه‌ای شد در نوشتن کتاب قصه‌ها.

در اینجا لازم است درباره اهمیت این اثر به نظر یکی از استادان انسان‌شناس آمریکایی که سال‌ها در ایران تحقیق کرده است و با فرهنگ ایران خوب آشنایی دارد، اشاره کنم. این استاد، خانم پروفسور ماری الن هگلند Mary Elaine Hegland، استاد دانشگاه سانتا کلارا در کالیفرنیا است. او می‌نویسد: «اریکا فریدل با به کارگیری روش‌های یگانه، خلاق و پیشرو در پژوهش، تحلیل و عرضه این اثر، بیش از هر انسان‌شناس دیگری در کشف زمینه‌های فرهنگ ایرانی کار انجام داده است. بنابراین، برای من شگفت‌انگیز نیست که اریکا فریدل اثری نو و ابتکاری خلق کرده باشد. اثر او کاری ترکیبی از رشته‌هایی مانند فولکلور، مردم‌نگاری و تحلیل ادبی است. من تاکنون شاهد نمونه‌های دیگری از چنین تحقیق عمیق بلند مدت، هم در عرصه فولکلور و هم در عرصه مردم‌نگاری نبوده‌ام. بنابراین،

تیزبینی به نظر می‌آورد و با کندوکاو در داده‌های هر قصه به کالبدشکافی قصه‌ها می‌پردازد.

در قصه‌های این کتاب، بازیگران زن کمتر از بازیگران مرد نقش‌پردازی می‌کنند ولیکن در فعالیت‌هایشان چندان تفاوتی با هم ندارند. کارخانه از اشتغالات مهم زنان و مناسب با موقعیت اکثر زنان است. این نوع کارها مانند همه اقسام کارهای دستی دیگر سخت و ناخوشایند و به کار خدمتکاران شباهت می‌برد. در شماری از قصه‌ها اشتغالات زنان همسر آنچنان زیاد و سخت است که به دشواری می‌توان میان همسر و کلفت فرق گذاشت و معلوم کرد که کدام یک جای دیگری را غصب کرده است. مسئولیت‌های زنان نسبت به خانواده جایگاه زنان را در زندگی خانوادگی و جامعه تعیین می‌کند.

نظام پدرتباری و انتظارات جنسیتی در زندگی، دختران را در موقعیتی نامطلوب و حتی گاهی در مخاطره قرار می‌دهد. اما زمانی که مردان ارشد و مافوق خانواده دختران را به حال خود رها و وامی‌گذارند، در این زمان دختران شخصیت خود را در نقش زنانی شجاع، جسور، کاردان و موفق ظاهر می‌سازند. بنا بر این داده‌ها، فریدل نتیجه می‌گیرد که خصایل ناکارآمدی و کارآمدی زنان در خانواده و جامعه بستگی به روابط زنان با مراجع اقتدار در خانه دارد. او تنها امتیاز چشمگیر زنان را در قصه‌هایی که با مسئله ازدواج مربوط‌اند، زیبایی زنان می‌بیند و درمی‌یابد که زنان فقط با زیبایی خود می‌توانند مردان را ابله سازند و جان آنها را به مخاطره بیاندازند.

در برابر و در تقابل با مرد قصه‌گو، زن قصه‌گو قرار دارد. این دو نگرش‌هایی کاملاً متفاوت و متضاد با یکدیگر نسبت به زنان دارند. زن قصه‌گو بنابر موقعیت اجتماعی بالای خود، زنان جامعه بویراحمادی را با خصوصیات مثبت و توانائی‌هایی گوناگون ارزیابی می‌کند. آنچه او در قصه‌هایش نقل می‌کند، برخی از آنها مربوط به برداشت‌ها و تجربیاتی است که او از زندگی شخصی خود دارد. او سعی می‌کند تا امکانات اجتماعی و فرهنگی خود را به نحوی مبتکرانه در جریان رویدادهای داستانی که می‌گوید، بگنجانند. چون این بانوی قصه‌گو برآمده از یک خانواده برجسته اجتماعی و پرورده زنانی قدرتمند از سوی تبار مادری است. بنابراین، در نقل قصه‌ها قدرت زنان را به رخ مردان می‌کشد و قدرت نمایی زنان را در مبارزه با مردان جامعه در آینده‌ای نزدیک به وضوح در قصه‌ها بیان می‌کند.

خانم دکتر فریدل در فصل و مبحثی دیگر به چگونگی شکل خانواده در قصه‌ها می‌پردازد و روابط میان اعضای خانواده، روابط میان خواهران - برادران و وظایف و تعهدات آنها را نسبت به یکدیگر بررسی و تحلیل می‌کند. قصه‌ها ضمن تبیین نقش و وظایف هر گروه جنسی به وظایف خواهران و برادران در کمک کردن به یکدیگر به اشکال گوناگون اشاره دارند و به صراحت بیان می‌کنند که خواهران باید در کارهای مشخصی که به زنان جامعه اختصاص دارند، سهم و مشارکت داشته باشند. خواهران باید نظرات برادران خود را به کار بندند و

خواسته‌ها و دستورهای آنها را اجرا کنند. برادران موظف هستند که خواهرانشان را در امور زندگی راهنمایی کنند و همیشه محافظ و پشتیبان آنها در جامعه باشند و هرگاه شوهرانشان رها و ترکشان کردند، از آنها حمایت کنند. برادران باید در جامعه باهم و متحد و پشتیبان یکدیگر باشند و جبهه‌ای حفاظی در برابر بیگانگان و

جهان بیرون از خانه بسازند. خواهران - برادران چشمگیرترین شبکه ایمنی خانواده را شکل می‌دهند و به همین روی پیوسته در معرض مقاصد خوب و بد دیگران قرار خواهند گرفت و آسیب‌پذیر خواهند بود.

در بررسی شماری دیگر از قصه‌ها خانم فریدل بازتاب جایگاه و مقام زن در خانواده، مدار زندگی و عرصه کار روزانه آنان را آن‌چنان که در قصه‌ها می‌نماید، تشریح می‌کند و چگونگی نگاه جامعه را به زن و روابط جنسیتی دنبال می‌کند. او مقولاتی مانند «زنان در کار»، «زنان در مدار زندگی: دختران و عروسان در خانه پدر و شوهر»، «زن در نقش همسر و مادر»، و «نقش و موقعیت زنان سالخورده» را که در قصه‌ها مطرح می‌شوند، با

فریدل بانگرشی
فراگیر به مجموعه‌هایی
از قصه‌های لری مربوط به
حوزه پژوهش خود، و منابع خارجی
مربوط به موضوع کار تحقیقی‌اش تا آنجا که
لازم و بایسته بوده از مفاد آنها در کار
بررسی تطبیقی و محتوایی قصه‌های
رایج میان بویراحمادی‌ها بهره
برده است.